

بسمه تعالی

جلسات هم اندیشی ارتقای تدبیر

مقدمات تدبیر

استاد:

احمد رضا اخوت



فهرست:

۱	 کتاب مقدمات تدبیر
۴	 ارزیابی
۵	 محورهاى اصلى کلاس‌هاى قرآن
۶	 مخاطبین مقدمات تدبیر
۱۰	 پاسخ به سوالات
۱۶	 تکلیف جلسه بعد
۱۸	 دسته بندى مخاطب، (گفتگوی بین استاد اخوت و استاد رجبعلى)
۲۱	 نکات دروس کتاب مقدمات
۱۹	 فاتحه
۲۲	 درس اول
۲۱	 درس دوم
۲۱	 درس سوم
۲۲	 سوره‌ها
۲۳	 پاسخ به سوالات
۲۶	 ارزیابی کتاب مقدمات تدبیر

کتاب مقدمات تدبیر

این کتاب مشتمل بر مطالب مهمی است.

چه کسی باید درس بدهد؟ هر کسی می تواند به شکل مباحثه کتاب ها را بخواند.

مربی : در واقع هم مباحث است و بایستی بلد باشد مباحثه کند.

در کلاس قران اگر کسی فکر کند بالاتر است واقعا باخته است.

چرا این کتاب نوشته شده است؟

چرایی آن این است که می خواهد بگوید قران برای عمل کردن و طهارت داشتن است. لایمسه الا المطهرون. هر چی در هر سطحی از کتاب را یاد گرفتید را عمل کن. قران برای **عمل کردن و طهارت داشتن** است. قران در مقدمات تدبیر مثل وضو و غسل است. قران با کسی مرتبط می شود که پاک باشد. البته طهارت داشتن دائمی است و شما باید همیشه پاک باشید. بنابراین بایستی کاری کنید که تو با قران باشی و قران با تو باشد. این معیت با قران بایستی نصیبت شود. به صورت راهبردی گفته می شود برنامه ریزی داشته باشید. اگر کسی مقدمات تدبیر خواند و برای تا بعد از مرگ و روز قیامتش برنامه ای نداشته باشد و به سمت عمل نرود یعنی مقدمات تدبیر نخوانده است.

چگونه :

سوره هایی هستند که شاهد بر طهارت انسان هستند. سوره نصر شاهد باش که ...

آیا انسان می تواند به طهارت خودش ایمان بیاورد؟ بله باید ایمان آورد و عمل کرد. خدا قران را برای ابهام زدایی قرار داد نه برای ایجاد ابهام. من اهل همز و لمز نیستم. من اهل عبس و تولی نیستم. چرا می خوای بگی تو هستی؟ چرا عادت به

برچسب زدن کرده ای تو خوبی و باید خوب بمونی، برای خوب ماندن برنامه داشته باشی. نگران از دست دادن خوبی ات باش نه اینکه بگویی من خوب نیستم. در این کتاب این سوره ها را شاهد طهارت خود می دانیم. بعد این کتاب، همز و لمز تعطیل، حسد تعطیل خوب بودن اینقدر سخت نیست. ...

طهارت هر کسی به نسبت فهم اوست. عمل کن به اندازه فهمت از سوره ۱

مقدمات تدبیر

هم‌مباحث/مباحثه مربی:

چرایی:

قرآن برای عمل کردن است و طهارت داشتن.
طهارت داشتن امر دائمی است. معیت با قرآن نصیب فرد بشود.

برنامه‌ریزی
عمل

چگونه:

سوره شاهد طهارت

طهارت هر کس به نسبت فهم اوست.

بر مبنای تشخیص خود فرد و ارزیابی:
احساس آزاد شدن از بند نفسانیت
احساس تقوا و مراقبت

سوره در هفته مراقب تو باشد.

ارزیابی

ارزیابی کتاب مبتنی بر تشخیص خود فرد و حس آزاد شدن از بند نفسانیت و احساس تقوا و مراقبت است.

مباحثی که در این کتاب شده است در مورد گزاره‌های مختلف تفکری و تعقلی خیلی مهم نیستند. آیا سوره را فهمیدید؟ فهمیدید که چه کاری باید انجام دهید؟ همین تمام شد. اگر برچسب زدم بر روی گزاره حواست را پرت می‌کند لازم نیست عنوان بزنی چون در تفکر و بقیه کتاب‌ها در موردش حرف می‌زنیم و این موضوع در این کتاب فرعی است ولی با سوره فرصت دارید یک هفته‌ای زندگی خودتان را زیر و رو کنید. باید یکی یکی سوره‌ها را بخوانید و بنید پاکسازی شده است یا خیر. باید محصول کارت این باشد که سوره در هفته مراقب تو باشد. یعنی تو یاد می‌گیری که در هر هفته‌ای با یک سوره‌ای زندگی کنی. این خیلی عالی است و در همه سوره‌ها و همه کتاب‌ها همین است. همین قدر که مقدمات تدبیر بلد باشیم خیلی خوب و عالی است. از سویی طهارتی پیدا کرده‌ای که همه می‌فهمند آدم خوبی شده‌ای و انس و مراقبت با سوره را هم یاد گرفته‌ای و احساس تقوا و مراقبت هم در تو ایجاد شده است.

اهل حرف بودن در ما زیاد است و اهل عمل نیستیم و به صورت قومی در نظام آموزشی ما یاد داده می‌شود که چنین باشند.

مربی دستش باز است ولی مقاصد را به او می‌گوییم. بنای کار مباحثه است و تو بالاتر از آنها نیستی.

جلسه قرآن که میرید شما خودتون دیگه نیستید آن سوره هست. چه قدر زیباست که ببینید سوره چه جوری خودش را نشان میده. در همایش ها سوره ها حس می شوند و خیلی خوب جلوه می کنند و متوجه تشخیص آنها می شویم ...

فعال کردن انگیزه به وسیله عمل ایجاد میشود اگر افراد به چیزی که علم دارند عمل کنند انگیزه پیدا می کنند. رغبت و انگیزه های انسان به وسیله عمل نکردن خنثی میشود. عمل احتیاج به تفصیل دارد و نوعا افراد از تفصیل دادن عاجز هستند. ...

خدایا فهم مرا در این سوره به گونه ای فعال کن که مناطق عمل برای من ظاهر و آشکار شود. عمل هر چه که هست عینیت دارد و در بیرون ظاهر است و مثل تولید است. بایستی از ذهن و درون به بیرون صادر شود. نوعا ما در این صادر کردن گرفتار می شویم.

در سوره مبارکه لقمان وقتی از محسنین می گوید سه خصوصیت برای آنها ذکر می کند:

ایتاء زکات (قدرت پرداخت زکات)، اقامه نماز و یقین به آخرت. عمل در هر سوره ای این سه می تواند باشد. آدم نمازخوان تر شود و زکات ده تر باشد و یقینش به آخرت بیشتر باشد. بایستی به سمت عمل رفت.

مربی هیچ وقت نباید خود را از شأن هم مباحثه بودن خارج کند و هر کاری که مربی را بخواهد یک سر بالاتر قرار دهد خوب نیست و در محضر قران ادب نیست. جلسات را به شرط انجام تکلیف برگزار کردن خوب نیست ولی قرار های جمعی گذاشتن ایراد ندارد.

هرچقدر مربی از مقامش پایین بیاید و در دل مخاطب قرار دهد و خود را یکی از افراد بداند سوره خودش را نشان می دهد و خودش افراد را به اصلاح دعوت می کند. بعضی وقت ها مربی حجاب سوره می شود که باید مراقب بود. راهش فقط تواضع هست و حتما باید در باور درونی فرد قرار بگیرد. ... از تجربیات خودتان چیزی در جلسات نگوئید چون شائبه تعریف از خود در کلاس اصلا خوب نیست. در روحیه خود فرد بد اثر میگذارد، آدم را تیره میکند. مراقب باشید از خودتان چیزی نگوئید. از تجربیات دیگران بگوئید.

کتاب باید همیشه پر و پیمان باشد و لازم نیست همه را مجبور به حل تمرین کتاب کنید. بگذارید افراد با نیازهایشان وارد شوند. کسانی که تمارین را انجام می دهند برای بقیه بخوانند، بقیه یاد می گیرند.

اگر بتوانید افراد کلاس را با هم ۲ تا ۲ دوست کنید، خیلی قدرت پیدا می کنید، انگیزه هاشون دائمی میشود و با هم جلو می آیند. مربی اقا برای خانم ها نگذاشتن به همین علت هست. این رفاقت و دوستی به شدت در بقای نیاز اثر دارد و اثبات شده که افرادی که با هم مسیر را طی می کنند خیلی مقاوم تر و مستحکم تر هستند. مهارت دوست کردن در کلاس، برای مربی هست.

کلاس قرآن خیلی آداب دارد، شما نباید کسی را رنجیده کنید، نایستی راجع به کسی قضاوت کنید، المومن ينظر بنورالله. خودتان را به سوره می سپارید. لحن تان را هیچ وقت به شکل انذار در نیارید. مقام خود را از هم مباحثه بالاتر نبرید. بگذارید حرف را سوره به فرد بگوید.

گزاره نویسی زیاد و ... فرد را از عمل دور نکند، در مقدمات فرد باید به سمت عمل برود، چون ما مشکل عمل داریم. گوش دادن به صوت اساتید را توصیه نمی کنم. چرا؟ چون هر کلاسی یک مخاطبی دارد و مربی برای آنها میگوید. کسی که می شنود الزاما مخاطب آن نیست. ولی کتاب اینطوری نیست. صوت ذهن افراد را ضعیف می کند. مشکل ما کتاب خواندن هست. افراد سخت شان هست و کتاب نمی خوانند. می توانید به آنها مولفه بدهید، با ۵ یا ۶ واژه در هفته زندگی کنند و نکات و متن و تولیدات و ... از این ها داشته باشند.

توجه کنید که مصداق گفتن ها امکان دارد باعث اذیت مخاطبان بشود. مفهوم و مصداق ها را مربی از خود قرآن بگیرد و یا روایت بخواند. مصداق واژه را باز کنید تا مخاطب خودش بفهمد. البته تسلط روی روایت سخت هست و باید درست روایت انتخاب شود.

حداقل برای هر سوره یک هفته تأمل کنید.

شرط قرار دادن برای قرآن خواندن در کنار یک آموزش دیگر، ممدوح نیست مگر اینکه مربی زبردست باشد. عدم فن بیان؟ اگر خدا می خواهد من کاری را کنم باید به من یاد بدهد اگر نمی خواهد پس انجام نمیدهم. آدم باید در پیشگاه خداوند صریح و جدی باشد... در صورت خوب درس دادن ریزش مخاطبان امری طبیعی هست. مهم این هست که پیش خودش و وجدانش آسوده هست که غلط نگفته و انحراف ایجاد نکرده است. ...

پشتیبانی و پیگیری نباید باعث القای منفی بشود و تمایل مخاطب به پیگیری را می توانید ازشون بپرسید.

شان قرآن بزرگ کردن انسان ها هست، اگر خدا میخواست آدم ها را تحقیر کند اصلا قرآن را نازل نمی کرد.

از خداوند می خواهیم یک جوری ما را هدایت کنه که تدبیر در تمام وجود ما جاری بشود و مقدمات ظهور فراهم بشود، ان شاءالله که این اتفاق بیافتد.

محورهای اصلی کلاس‌های قرآن

نکته‌ای که در سوال‌های دوستان بود و نیاز است در موردش صحبت شود این است که کلاس قرآن هر کلاسی و برای هر سنی که می‌خواهد باشد بایستی چند محور اصلی داشته باشد:

۱. قرآن وسط باشد و نه فرد که در مورد این صحبت شد. ضرورت محوریت قرآن که همراه با عترت است. اینکه افراد چگونه می‌خواهند این موضوع را القاء کنند خودش بحثی است که در جای خود به آن خواهیم پرداخت. القای ما باید در کلاس‌های قرآن این باشد که **قرآن همراه با عترت** است و حدیث ثقلین باید محور کار باشد.

۲. دومین نکته این است که بایستی نیازمحور باشد. یعنی کلاس بایستی بر مبنای نیاز مخاطب باشد و تا زمانی که نیاز فعال نشده است خیلی مطلبی گفته نشود و یا از سویی سعی شود آن نیاز فعال شود. در واقع بخشی از کلاس یا برنامه به **فعال‌سازی نیاز** پرداخته شود. تا نتوانیم گوهر نیاز را در فرد فعال کنیم، آموزش اتفاق نمی‌افتد و نیازمحور بودن به عنوان یک رکن آموزش است.

۳. در کلاس‌های قرآن بایستی **خروجی محور** بودن را در نظر داشته باشید و مخاطب حتما باید در خروجی‌های کلاس مشارکت داشته باشد. یک برنامه جدی داشته باشد و مخاطب برای تغییری در زندگی و در بیرون، کاری انجام بدهد و این کار حتما به نحوی بروز داشته باشد. فرقی نمی‌کند این کلاس برای پیش دبستان و یا دبستان باشد یا بقیه افراد. نمی‌شود که افراد خروجی‌محور نباشند.

نیازمحوری و خروجی‌محور بودن مستلزم این است که کتاب‌ها به گونه‌ای باید درس داده شود که شما ببینید آن مخاطب چگونه فعال می‌شود و نیازش چگونه به خروجی می‌رسد. به همین دلیل حتما بایستی مخاطب در نظر گرفته شود و بر اساس همین هم نمی‌توان گفت کلاس‌ها بر اساس این کتاب اینگونه تنظیم شود و طرح درس واحدی وجود دارد. برای مخاطبان هر کلاسی باید نیازسنجی کنید و برای فهم سطح نیازهایشان کارهایی انجام دهید. (با ارائه سوره یا انجام فعالیت‌ها توسط خود افراد یا ...) اینکه چه کسی چگونه نیاز را می‌شناسد و چگونه مشارکت مخاطب را برانگیخته می‌کند، به هنر خود فرد وابسته است و نیز استفاده از تجربیات دیگران. خیلی خوب است که افراد **تجربیات** خود را در اختیار یکدیگر قرار بدهند. اسمش را تجربه‌نگاری می‌گذاریم. تقلید کردن از تجربه‌های دیگران اشتباه است ولی استفاده از آنها مهم است. در ساحت انسان تقلید و شبیه شدن به کسی جالب نیست و هر کسی باید خودش خودش باشد و هنر خود را بشناسد. بعضی وقت‌ها می‌توان از خود مخاطب برای چگونه فعال کردن نیازش کمک گرفت.

پس در حوزه کلاس‌های قرآن، نیاز، خروجی و در نظر گرفتن مخاطب، محور است و به این ترتیب در تجربه‌نگاری یاد می‌گیریم که چگونه هم توان خود را بشناسیم، هم مخاطب را ببینیم و هم نیاز محور و خروجی محور بودن را مبنای کار قرار دهیم. بعد از هر کلاسی حتما باید یک ثمره و ذخیره‌ای برای خودتان و دیگران مانده باشد.

لزومی ندارد که عین آن تجربه را تکرار کنید بلکه بایستی آن تجربه برای شما ایده ایجاد کند. قابلیت تقلید ندارد

کلاس‌های قرآن

خروجی محور بودن

نیاز محور به عنوان
رکن آموزشمحوریت قرآن
همراه با عترتبرنامه مشارکت جدی
مخاطب

برنامه فعال ساز نیاز

حدیث ثقلین

در نظر گرفتن مخاطب + توان خود مربی

تجربه نگاری و مشاهده تجربه‌های دیگر

کلاس‌های قرآن می‌تواند بر اساس این محورها با خلاقیت مربی همراه شود.

مخاطبین مقدمات تدبر

مخاطبین مقدمات تدبر چند قشر هستند و هر کدام روحیاتی دارند. شناخت مخاطب و توان مربی خیلی مهم هست.

- اساتید حوزه
 - اساتید دانشگاه
 - متخصصین
 - دانشجو
 - دانشجو معلم
 - دانش آموز (مقدمات را به دانش آموز هم میتوان گفت، بالاخص دانش آموزان متوسطه دوم)
 - بیوت نورانی / خانواده ها
 - مساجد (ترکیب خاصی از موارد بالا هستند)
- این دسته بندی از نظر سطح سواد بود، هر کدام از این افراد به حیث شأن شان هم دسته بندی می شوند. علاوه بر اینکه خودشان هم ذائقه ها و تغییراتی دارند.
- اساتید حوزه مطالب را به شکل **بنیادی** مطالبه دارند (این را از کجا می گویند؟ تفاوت تفسیر و تدبر چیست؟ و ...).
- مهم هست که بدانند کاری که انجام میدهم مبنا دارد. قاعدتا بهتر است برای این افراد کتاب از ابتدا گفته شود. کتاب در اختیار این افراد قرار داده شود و رونمایی از کتاب صورت گیرد و اگر بناست کتاب خوانده شود به ترتیب

- خوانده شود. (مواردی که گفته می شود در ۷۰ یا ۸۰ درصد ممکن هست اینگونه باشد)
توان مربی در این حوزه بایستی اینگونه باشد که **توان استدلال** داشته باشد، مبنای مطالب را بداند و علاوه بر کتاب مطالعات دیگری هم داشته باشد تا بتواند این نظر، این مدل تدبیر را با نظرات و سایر مدل های تدبیر مقایسه کند. در این حوزه مربی باید **مسلط بر مبانی و نظرات دیگران درباره تدبیر** باشد. مربی ای که بر مبانی مسلط هست ولی نظرات دیگران در این حوزه را نمی داند، بهتر هست با این افراد کلاس نداشته باشد و در سنگر دیگری وظیفه اش را انجام بدهد.
- در مورد اساتید مطالب **بنیادی و راهبردی** اهمیت پیدا می کند. یعنی اساتید از اینکه کی چه می گوید صحبت می کنند و هم از اینکه این مطالب به چه کاری می آید. رونمایی از کتاب به همراه نشان دادن فواید دانستن مطالب. این کار ممکن است با همان سوره انجام شود و یا از احادیث استفاده کند برای **انگیزه دهی به اصل قرآن**.
برای اساتید حوزه چنین کاری لازم نیست چون خود این افراد با قرآن انس دارند و دغدغه این موضوع را هم دارند و اگر بخواهید در مورد انگیزه دهی با ایشان صحبت کنید گاهی ناراحت می شوند که ما را به چیزی دلالت می دهند که خودمان دغدغه داریم.
- آنچه برای اساتید اهمیت دارد این است که مربی به مبانی و فواید تسلط داشته باشد. فایده ها خیلی برای ایشان مهم می شود و خیلی به دنبال دانستن نظرات دیگران نیستند. البته برخی از اساتید دانشگاه حوزوی هستند و این افراد که وحدت حوزه و دانشگاه دارند همه چیز را می خواهند و از شما توقع معجزه در اصلاح جامعه دارند.
- متخصصین نوعا مطالبه **راهبردی و تخصصی** دارند. برای دستیابی به اینکه مثلا قرآن در مورد سلامت چه می گوید یا در مورد روان شناسی چه نظرانی دارد نوعا عجله هم دارند. این افراد را بایستی به آرامش و صبر و مطالعه دعوت کنید. بابت این عجله ممکن است نتوانند مطالب را مطالعه کنند و بهتر است این افراد کتاب را از ابتدا با تأنی مطالعه کنند. یعنی حتی ترجیح بر این است که اگر فردی عجله دارد و کتاب را با تأنی نمی خواند، در کلاس شرکت نکند. مثلا می خواهد مبنای زیست شناسی را از همان اول از قرآن بدست آورد. ما می خواهیم با قرآن انس بگیریم و هدایت را از قرآن بگیریم و نمی خواهیم تخصص ها را بر قرآن منطبق کنیم. نوعا کلاس هایی که با متخصصین گذاشته می شود نوعا کلاس های ناپایداری است و اگر از آن متخصصین افرادی با تأنی کتاب ها را بخوانند بعد از مدتی خیلی قدرت پیدا می کنند و کارهای خوبی انجام می دهند.
- مربی در این حوزه علاوه بر تسلط بایستی **خوش اخلاق و پر حوصله و دارای چهارچوب** باشد و از ریزش کلاس اذیت نشود.
- گروه چهارم دانشجویان هستند. (افراد خود را بسنجند و ببینند که برای مباحثه با کدامیک از این گروه ها خود را توان مند می بینند تا کم کم بتوانیم مربیان مدرسه را بر اساس توانمندی که دارند جدا کرد. همچنین همه ما به نحوی می توانیم آموزش قرآن داشته باشیم و وظیفه ما این است که به نحوی دعوت به قرآن و خوبی های آن بکنیم از این جهت فقط هر کسی جای خود را پیدا کند و الحمدلله هر کدام از این موارد در مدرسه سرشاخه دارد و افرادی هستند که برای آنها برنامه ریزی می کنند

دانشجو مطالبه **کاربرد در زندگی و مهارت افزایی** دارد. به همین دلیل کتاب باید به شکلی گفته شود که وقتی فرد با آن مواجه می شود باید احساس کاربردی بودن مطالب را بکند. (دانشجوهای دکتری در گروه اساتید یا متخصصین هستند). مباحث **برنامه ریزی** برای دانشجو خیلی مهم می شود و نیز **انس با قرآن** و اینکه اساسا بتواند یک برنامه برای کل عمرش بریزد. اغلب کسانی که در این گروه هستند خودشان جزء این گروه هستند و دوست دارند فضای قرآن را تا آخر عمر داشته باشند و در مسیر درستی باشند و راه زندگی را به آنها نشان دهد. خیلی پیگیر مبانی نیستند.

مربی برای این گروه باید در موارد فوق بتواند **پاسخگو** باشد. برنامه بدهد و یا در گفتن کاربردها کم نیاورد. (خیلی از دانشجویان به درست یا غلط به سمت مشاوره می روند. ما خیلی کاری به این بحث نداریم. به دلیل اقتضای طبع این جریان، کلاس ها به این سمت کشیده میشود)

- کسانی که دانشجو معلم هستند تمایل دارند برای **ارائه مطالب**. یعنی آنقدری که تمایل به ارائه دارند برای فهمیدن ممکن است اینقدر اشتیاق نداشته باشند و این از اشکالاتی است که وجود دارد. این افراد بر خلاف آنچه در ذهنشان هست، بایستی فهم قرآن برای خودشون و زندگی شون مهم شود. بایستی با این افراد کمی کلنجار رفت و بالاخص برای این گروه باید کتاب را از ابتدا بخوانند و به تدریج برای ارائه آماده شوند. افرادی که دانشجو معلم هستند و برخی از کلاس های دانشجویی این قابلیت در آنها وجود دارد که بعد از چند جلسه خود این افراد با حمایت مربی درس ها را ارائه دهند.

در این دو مدل کار دانشجویی، کار کردن روی خروجی ها مهم می شود که می تواند متن و پاورپوینت و ... باشد. به اساتید نمی توانید بگویید خروجی داشته باشد ولی به دانشجو می توان گفت و حتما خروجی دارد.

برای این مخاطب مربی باید به جای تدریس میدان داری کند.

(من می خواهم القا کنم که این کتاب، انواع و اقسام شیوه های ارائه متناسب با مخاطب دارد، که بعضی از آنها را میگویم و البته در هر گروه هم تنوع وجود دارد. این زیبایی قرآن هست که می تواند با همه تنوع هایش نزول پیدا کند و خیراتش را جاری کند.)

- در بخش دانش آموزی، دانش آموز تمایل به **مشارکت** دارند. اینکه به گونه ای به کار گرفته شوند. نه اینکه بخواهند درس را ارائه بدهند ولی به صورت کلی دانش آموز تمایل به مشارکت دارد. و اگر شما زیاد و پشت سر هم و بدون مشارکت دانش آموز صحبت کنید، او خسته می شود و باید کاری کنید که مطالب به سمت مشارکت برود. لازم نیست برای آنها اصل کتاب خوانده شود. عمل به قرآن باید برای ایشان پررنگ شوند. اگر خودشان با مشارکت خواستند کتاب را بخوانند خوب است و کلاس با مشارکت پیش برود. ممکن است کتاب خوانده نشود و فقط سوره ها خوانده شود یا تفسیر المیزان. کلاس با مشارکت پیش می رود و بر پایه سوره ها و نه لزوما کتاب. اگر کتاب را پایه قرار می دهید باید بتوانید دیگران را جذب کنید.

مربی برای این گروه کاملا دوست داشتنی باشد (هر طوری که می تواند، با شکلات بردن، با اردو، ...) و باید بتواند خیلی سریع قلب آنها را تسخیر کند. اگر کسی نمی تواند در حوزه دانش آموزی قلبی رو تسخیر کند بهتر هست در این حوزه ورود پیدا نکند مثلا جدی هست و نمی تواند با بچه ها شوخی کند و اهل تألیف نیست و آنها را به اسم

صدا نمی زند و ارتباط برقرار نمی کند بهتر است در سنگری دیگر باشد.

- در بیوت نورانی که بحث خانوادگی است اتفاقا این افراد نیاز به منبر دارند و کسی را می خواهند که **متکلم وحده** باشد. میلی به مشارکت ندارند و شما باید **سخنران وار** صحبت کنید و کاملاً **مسلط به مباحث** به نظر بیایید. بیان نکات محوری و کاربردی کتابها مهم می شود. در بعضی از بیوت تشویق به کتاب و خواندن مستمر آن خیلی خوب جواب می دهد و در جلسات قرآن هم حتما باید قرآن خوانده شود. خواندن خود قرآن به شکل های مختلف در بیوت خیلی موضوعیت دارد. اگر خود قرآن خوانده نشود می گویند آمد سخنرانی کرد و نمی گویند قرآن خوانده شده است. بایستی اگر در سوره فلق، حسد را می گویند، حسد را که در سوره های دیگر توضیح داده شده، آن را بگویید. شبیه قرآن به قرآن مقدمات را بگید. نورانیت بیت باید توسط قرآن تامین شود. ممکن هست بخشی از صحبت ها احکام و روایت و ... باشد.
- مربی بایستی با خانواده ها ارتباط استاد و شاگردی بگیرد نمیگم خودش را بگیرد ولی آنها توقع دارند وقتی شما را دعوت کرده اند برای مخاطب خیلی تواضع نشان ندهید و نگویند ما چیزی بلد نیستیم. اینجا جایش نیست. باید سنگین باشی و نباید جک بگویی و نباید مشارکت آنها را فعال کنی.
- آنجا نمی توانید کتاب را مطرح کنید، کسانی که تمایل به خواندن کتاب دارند، بگویید بخوان و بعد از جلسه سوالات را با هم حل کنید.
- در مسجد سن مخاطب مهم است و گروه بندی آنها. برآیند دانشجو و دانش آموز بگیرید و بایستی بر اساس کتاب جلو بروید.

باید مربی **اهل جوش و خروش و قیام و حرکت** باشد. و افراد را به کار وادارد.

مربیان باید کم کم در یکی از این بخش ها خود را سامان دهی کنند.

در نظر گرفتن مخاطب

اساتید حوزه	اساتید دانشگاه	متخصصین	دانشجو	دانشجو معلم	دانش آموز	بیوت لورالی	مساجد
مطالعه مطالب به شکل بنیادی - راهبردی	مطالعه راهبردی و شخصی	مطالعه کاربردی زندگی و مهارت افزایی	تنبیل به ارائه مطالب	تنبیل به مشارکت	متکلم و جدد	سن مخاطب و گروه بندی	
روشنایی ، نشان دادن فواید و انگیزه دهی به اصل قرآن	دعوت به آراشی و صبر و مطالعه	احساس کاربردی بودن مطالب	مهم شدن فهم قرآن برای خودشان	اصل به قرآن	بیان نکات محوری	بر اساس توانایی دانشجو و دانش آموز	
	با تألی خواندن کتاب	مباحث برنامه ریزی و انس با قرآن برای یک عمر	کتاب از ابتدا خوانده شود و به تدریج برای ارائه آماده شوند	با مشارکت کلاس ارائه می شود که بر پایه سوره	تشویق به کتاب و خواندن مستمر آن خواندن خود قرآن به شکلی های مختلف		
			خروجی و تولید	جذب دیگران	تأسیس نورانیت بیت		
مربی مسلط بر مبانی به علاوه فواید	مربی باید خوش اخلاق و پر حوصله و دارای جاذبه	مربی باید جوابگو برای موارد فوق	مربی باید میدان داری	مربی باید کاملاً دوست داشتنی باشد	مربی باید با خانواده ها ارتباط برقرار و شادمانه د	مربی اهل جوش و خروش	

مکتب و تأمل بر روی سوره حداقل در یک هفته و گرفتن انعکاس عمل به سوره و تکرار در حوال آن و خواندن مطالب و شنیدن آن حوال محور سوره

پاسخ به سوالات

دانستن نظرات دیگران در مورد قرآن، برای مربی اساتید حوزه خیلی مهم هست. برای مربی اساتید اطلاعات عمومی و پر بودن مربی خیلی مهم هست. مربی متخصص علاوه بر قرآن خودش یک تخصصی حتما داشته باشد. در حوزه دانشجو و دانشجو معلم و دانش آموز پاسخگویی خیلی مهم هست یعنی مربی باید سوالاتی که به ذهن مخاطب می رسد را بلد باشد و در مورد سوالاتی که می پرسند، مطالعات داشته باشد. در حوزه بیوت دانستن روایات و احکام مهم هست، در مساجد دانشجو و دانش آموز هست، شبهه شناسی برای خود فرد و اینکه بتواند از خود قرآن جواب بدهد

✓ اگر افراد تدبیرها را خوب بخوانند و ساختار وجودی انسان و مباحث رشد را بلد باشند این افراد می توانند از عهده دانشجو تا مساجد برپایند.

✓ با گروه های متخصص باید حوصله به خرج دارد و کتاب را مبنا گذاشت.

✓ هر چقدر مباحث برای اساتید عالمانه تر و دقیق تر مطرح شود جذابیتش بیشتر می شود.

✓ برخی از طلبه ها جزء متخصصین محسوب می شوند و برخی هم که سطح ۳ هستند خود را جزئی از علما می دانند.

✓ وقتی وارد حوزه تدبیر می شویم سعی می کنیم که یکپارچه باشیم و مخاطب مدرسه قران که در مدرسه درس می خواند و قران پژوه مدرسه قران را باید مورد بررسی قرار دهیم.

قران پژوه مدرسه قران اول باید **برنامه ریزی** بلد باشد، بتواند به صورت بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت در حوزه قرآن برنامه ریزی کند و **تخصص در تدبیر قران** داشته باشد. حالا ممکن است کسی از تدبیر در قران خوش نیاید بگوییم

انس یا فهم یا تفکر یا تدبر در قرآن داشته باشد. او باید برنامه‌ریزی داشته باشد. و بداند برنامه پنج ساله او به چه صورت هست. عنصر نظم و توالی و پیوستگی در اجرای برنامه خیلی مهم می‌شود.

در حوزه خروجی مبنای او آموختن و آموزش دادن باشد. یعنی این دو کفه هم‌اهنگ باشد. کسی نگوید فقط آموزش می‌دهم یا فقط آموزش می‌بینم. این دو باید در یک نسبت متعادل باشند. برخی فکر می‌کنند در فضای قرآن فارغ التحصیلی معنا دارد در حالیکه چنین نیست و انشالله تا آخر عمر هم باید آموزش داد هم آموزش دید. کسی که فقط آموزش دهد بعد از یک مدت تو خالی می‌شود، کسی که فقط یاد بگیرد بعد از یک مدت فقط انباشتی از مطالب می‌شود.

قرآن پژوه حتما در حوزه تخصصی اجتماعی ورود پیدا می‌کند و این را به عنوان عرصه مجاهدتش قرار می‌دهد. کسی نمی‌تواند بگوید نسبت به موضوعات مختلف بی‌تفاوت باشد. باید بین علم و عمل توازن باشد. (همان طور که بین آموختن و آموزش دادن باید توازن باشد)

یکی از غرض‌هایی که در کتاب مقدمات وجود دارد این است که مخاطب مدرسه قرآن بتواند به این برنامه‌ریزی میان مدت و کوتاه مدت و بلند مدت برسد. اصراری نیست بر اینکه افراد بعد از برنامه‌ریزی حتما با همین کتاب‌های تدبر ادامه دهند. مهم برنامه داشتن برای مطالعه قرآن است.

شأن کسی که در مدرسه قرآن درس می‌خواند این است که به صورت منظم و پیوسته مطالب را می‌خواند (اگر هفته ای نتوانست هفته بعد جبران می‌کند) و اهل آموختن و آموزش دادن است و اهل عملیات و جهاد در عرصه‌ای است.

قرآن پژوه مدرسه قرآن

برنامه‌ریزی بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت در حوزه تخصص در انس یا فهم یا تفکر یا تدبر در قرآن

در حوزه تخصصی اجتماعی
ورود پیدا می‌کند به عنوان
عرصه مجاهدت

بر مبنای آموختن و آموزش
دادن

نظم و پیوستگی در اجرای
برنامه

✓ جنسیت در نوع تعاملات اثرگذار است. تفاوتشان در ظرافت‌های دخترانه و پسرانه هست. ترجیح این است که برای دختران خانم‌ها مربی باشند و برای پسران آقایان. در حوزه کتاب‌های تدبر به طور خاص خوب نیست که جنس مخالف در کلاس باشد چون نمی‌تواند ارتباطات خوبی با مخاطب بگیرد.

✓ در کلاس‌هایی که از گروه‌های مختلف حضور دارند، می‌توان با بخش بندی کلاس مشکل را حل کرد. انتهای کلاس را برای کسانی که می‌خواهند ارائه بدهند، قرار بدهید و هر کس مایل بود بماند و یا از اساتید بخواهید بعد از درس علم و تجربه شان را بگویند چون زیاد هست، که کلاس در کنترل باشد.

- ✓ با مخاطب حوزوی باید خیلی مبنایی کار کرد.
- ✓ فضای تدبیر را از ۱۶ سال به بالا در نظر می‌گیریم و قبل از آن را فهم قرآن در نظر می‌گیریم.
- ✓ مخاطبانی که دسته بندی نشدند و کلاس یک دست نیست سعی کنید گروه غالب کلاس را در نظر بگیرید و کلاس را بخش بندی کنید و افراد را آن هایی که زودتر حوصلشان سر می رود بگویید زودتر بروند که اذیت نشوند.
- ✓ در بیوت نوعا فعال نمی شوند و مشارکت نمی کنند مگر عده خاصی که برای آنها برنامه خاص باید ریخت.
- ✓ در روستاها و خارج از کشور که نوعا اطلاعات قرآنی پایین است باید از فهم قرآن شروع کرد و نه از کتاب‌های تدبیر در قرآن.
- ✓ با احتساب مواردی که ذکر شد هر فردی که کتاب مقدمات تدبیر را بخواند می‌تواند کتاب را مباحثه کند ولی باید به سطح و پیشینه خودش نگاه کند و مخاطبش را انتخاب کند. این موضوع به خود فرد باز می‌گردد و میزان مطالعه‌اش.
- ✓ ترجیح این است که از مسجد یا دانش آموزان یا بیوت شروع کند یا نه اصلا از مباحثه با یک دوست شروع کند و الزامی نداشته باشد که حتما کلاس بگذارد.
- ✓ در جلسات عمومی بایستی سوره ها مطرح شوند نه کتاب. وقتی برای مکان های عمومی صحبت می کنید حتما باید از کتب عمومی هم مطرح کنید بالاخص در بیوت نورانی.
- ✓ برای آموزش پرورشی‌ها مثل دانشجومعلم‌ها باید برخورد کرد.
- ✓ خواندن کتاب‌های مختلف در حوزه عمل کار بسیار خوبی است. مثل خواندن و دلالت دادن کتاب جامع السعاده، کتاب های حضرت امام، و ...
- ✓ آموختن و آموزش دادن لازم نیست به شکل کلاسی باشد. باید کاری کرد که افراد بخواهند چیزی را بفهمند. اگر چنین نیازی داشته باشند هر طور شده سعی در آموختن پیدا می‌کنند و اگر هم کسی نخواهد بفهمد لقمه آماده در دهانش بگذارید هم نمی‌فهمد و بایستی نیاز فرد فعال شود.
- ✓ مسئولین و جهادگران جزء متخصصین محسوب می‌شوند.
- ✓ کسی که وارد مدرسه قرآن می‌شود می‌پذیرد که سیری را باید بگذراند.
- ✓ در جمع‌های خانوادگی و اقوام شبیه بیوت نورانی می‌شود و بهتر است کسی را دعوت کنید یا اگر خودتون خواستید مطرح کنید بقیه را به حرف در بیاورید، در ضمنش خودتون صحبت کنید.
- ✓ در بیوت که مشارکت ندارند اگر فرد تمایلی به کلاس نشان داد و دوست داشت که کلاس را بیاید حتما فرد عمل کرده است چون همین خودش عمل است. برگزاری کلاس در بیوت نورانی خودش عمل بسیار خوبی است. این رغبت باید در او زیاد شود.
- ✓ این نکته خیلی مهم است: در حوزه دعوت تحقیق می‌کردم، کتاب دعوت به خیر را خیلی‌ها دیده‌اند. دیدم در

- ✓ قرآن قائل بر این است که گویا بهشت یا جهنم رفتنش در اثر **دعوت** صورت می‌گیرد و انسان بدون دعوت حتی به جهنم هم نمی‌رود. به همین دلیل گاهی در قرآن برای رفتن به جهنم می‌گوید، آنها را به سمت جهنم هدایت می‌کنند، دعوت شان می‌کنند.
- از مهمترین مشکلات در یک جامعه این است که دعوت به کارهای زشت بیشتر از دعوت به کارهای خوب می‌شود. دعوت به کار خیر (کلاس قرآن، خواندن سوره، ...) منجر می‌شود آدم‌ها بهشتی شوند.
- مساجد برای نماز جماعت کسی را دعوت نمی‌کنند. باید برای نماز جماعت دعوت کرد. به همین دلیل که بحث دعوت نیست مساجد خلوت می‌شوند. ما باید بتوانیم دعوت کنیم و به افراد دعوت‌نامه بدهیم. انشالله خداوند به ما توفیق دعوت کردن بدهد. همین طوری با دعوت‌های ما آدم‌ها بهشتی می‌شوند.
- ✓ برای مادران دانش آموزان فهم قرآنی در همان سطح فهم قرآن باید مطالب را بگوییم.
- ✓ اعتقاد داریم که برای هر سوره‌ای حداقل یک هفته کار شود و افراد با آن سوره زندگی کنند. یکی از کارهایی که باید در جاهای مختلف انجام دهیم مکث و تأمل بر روی سوره حداقل در یک هفته و بازخورد گرفتن و عمل به سوره و تفکر در حول آن و خواندن مطالب و شنیدن آن حول محور سوره. این کاری است که بایستی انجام دهیم. طول دوره را بر اساس سوره می‌بندیم.
- ✓ اگر هر هفته روی یک سوره متمرکز شوید، بعد از مدتی نورانیتی بدست می‌آورید که حد و حساب ندارد.
- ✓ نکته‌های کتاب برای فعال شدن فکر مخاطب است و لزومی ندارد که همه نکات مورد قبول مخاطب قرار بگیرد. اگر کسی نکته‌ای را قبول نکرد لازم نیست در موردش بحث شود. بپرسیم شما چطور فکر می‌کنید؟ اگر دیدید نظرش خوب است بپذیرد.
- ✓ شیوه دعوت کردنمان را برای کلاس قرآن درست کنیم. دعوت کردن منجر به پذیرش خیلی‌ها می‌شود و چقدر راحت آدم‌ها را بهشتی می‌کند.
- ✓ اگر کسی خواست مقدمات تدبر را ادامه دهد می‌تواند سوره‌های جزء سی را انتخاب کند و بقیه سوره‌ها را بخواند. هیچ اشکال ندارد شبیه مقدمات تدبر بقیه جز ۳۰ را می‌خوانیم. چگونه؟ ترجمه بخوانید، نکته بدست آورید (نکاتی که به سمت عمل می‌رود)، تفسیر می‌خوانید و به سمت عمل می‌روید، واژه می‌خوانید و به سمت عمل می‌روید.
- نظام آموزشی مدرسه قرآن هم این همکاری را می‌کند که اگر افراد خواستند بتوانند سوره‌های بیشتری را به صورت مقدمات بخوانند، ۴ ترم مقدمات می‌خواند بعدش می‌رود تفکر می‌خواند و اشکالی هم ندارد، قرآن هست دیگر. وقتی آدم می‌آید سر سفره قرآن چه فرقی می‌کند کدام کتاب را بخواند.
- ✓ کتاب طراحی فعالیت‌های آموزشی فصلی دارد در مورد نیاز که مطالب مفیدی در آن نوشته شده است.
- ✓ بهتر است در بیوت خود سوره‌ها مد نظر قرار بگیرد و سوره‌ها گفته شود و نکاتش بیان شود و کتاب فقط به کسانی پیشنهاد شود که دوست دارند و نخبه‌تر هستند

- ✓ اگر کسی تسلط به همه قرآن ندارد برای هر سوره‌ای که می‌خوانید می‌توانید در سوره بقره مصادیق آن سوره را ببینید. تفصیل سوره‌ها در سوره بقره نوعاً وجود دارد. این سوره برای تفصیل خیلی خوب است و کافی است همین یک سوره را بلد باشید و بقیه سوره‌ها را که می‌خوانید با آن تفصیل دهید.
- ✓ سوره‌های بلندی مثل زمر، انعام سه هفته زمان لازم دارد و سوره‌هایی مثل سوره حاقه و واقعه دو هفته‌ای هستند.
- ✓ قرآن خواندن باید بر جان انسان بنشیند و نیاز او را برطرف کند. برای کسانی که نیاز دارند، برنامه‌های جانبی می‌ریزیم.
- ✓ خانم‌های سن بالا دوست دارند برایشان سخنرانی کنید بالاخص اینکه خیلی قرآن برایشان بخوانید و بگذارید آن‌ها بخوانند و تجربیاتشان را بگویند.
- ✓ مربیان حفظ و قرآن در گروه دانشجو قرار می‌گیرند.
- ✓ تغییراتی که مربی می‌دهد، به مخاطب بستگی دارد. آنچه اصل کتاب است، طهارت و عمل که این نباید تغییر کند در واقع بدانند که قرآن برای عمل کردن است، بخوان و بالا برو. اقرا و ارق. برای کسی که میخواهد بخواند و بالا برود لازم نیست همه مطالب گفته شود اما جنبه‌های عملی سوره باید گفته شود.
- ✓ قرآن را در هر سطحی که بفهمید می‌توان عمل کرد. به همین دلیل می‌گوییم اول به نکات ترجمه پرداخته شود. فهم از سوره برخی توصیفی و برخی عمل کردنی است. (دوست داری کسی در کارت گره نیندازد؟ بله خیلی دوست دارم، پس در کار کسی گره نینداز. می‌گوید نمی‌اندازم. می‌گوییم برو ببین می‌اندازی یا نه)
- ✓ هر که بامش بیش برفش بیشتر و هر کسی علمش بیش عملش بیشتر.
- ✓ گزاره از مواجهه فرد با سوره آغاز می‌شود، چه چیزی را فهمیدی؟ چه عملی باید انجام بدهی؟ این کار را باید بکنم، خودش می‌شود گزاره. حالا که تفسیر خواندی چه چیز اضافه تری فهمیدی، این هم می‌شود گزاره.
- ✓ می‌شود کتاب قاموس یا مفردات راغب را هم استفاده کرد ولی کتاب التحقیق می‌تواند ذهن را به جولان در بیاورد.
- ✓ گزاره‌نویسی در مقدمات از این جهت اهمیت دارد که وقتی مخاطب سوره را می‌فهمد به یک منطق فکری تبدیلش کند که بر اساس آن می‌تواند عمل کند.
- ✓ به مخاطبانی که سخت دست به قلم می‌شوند بگویید، بگوید بعد همین را بنویسد. نوعاً افراد از نوشتن گزاره ترس دارند. گزاره نویسی خیلی مهم نیست، فهمیدن خیلی مهم است.
- ✓ در مقدمات وقتی سوره را می‌خوانید به فهم بسیط خود از سوره عمل کنید. نمودارها در این کتاب مخاطب را از این فضا دور می‌کنند و نمی‌خواستیم چنین شود.
- ✓ ادعیه انتهایی هر درس از این جهت آورده شده است که افراد بدانند انتهای هر درس می‌توانند از متن‌های کمکی مثل روایت‌ها و دعاها استفاده کنند و استفاده از آن قدرت ما را بیشتر می‌کند.
- ✓ اولویت در هر حالتی خود سوره است و روش اولویت نیست.
- ✓ مقدمات تدبیر را که می‌خواهم درس بدهم اینگونه درس می‌دهم. سوره را می‌خوانم و از سوره ترجمه‌ای می‌گویم و از مخاطب می‌خواهم نکاتش را بگوید. نکاتی که می‌گویند را می‌نویسم و از بین آنها انتخاب می‌کنم و بعد می‌گویم خدایا شکر که این سوره را بر ما نازل کردی و ما فهمیدیم که از این به بعد باید به این اعتقادات عمل

کنیم. سوره را به دو بخش تقسیم می‌کنم آمنوا و عملوا الصالحات، قسمت ایمان را جدا می‌کنم عمل را هم جدا می‌کنم. و می‌گویم کلاس تمام شد و باید برویم عمل کنیم. حالا اگر وقت کردیم یک دور دیگر هم می‌خوانیم، تفسیر می‌خوانیم باورمان عمیق تر می‌شود، عمل‌مان عمیق تر می‌شود. الحمدلله که خدا ما را به این باور و عمل موفق کرد. بخش سوم سراغ واژه می‌روم. در برخی کلاس‌ها مرحله به مرحله عملشان دقیق تر می‌شود و علمشان بیشتر می‌شود. در برخی کلاس‌ها هم این اتفاق نمی‌افتد. همینجا تمام می‌کنیم و سوره بعدی می‌رویم. ولی تا هفته دیگر باید به این باور و علم عمل کند. محتوای کتاب را اگر کسی نیاز پیدا کرد، خودش بخواند. یک محفلی برای الذین آمنوا شدن و عمل صالحات است. روش ما در مقدمات تدبر فهم سوره و عمل به آن بوده است.

✓ همه کتاب‌ها همینطور است و اگر سوره خوب گفته شود روش جدای از سوره نیست و اگر کسی روش را جدای از سوره بداند یا روش را خوب نفهمیده است یا سوره را. اگر سوره را طوری بگویید که در زندگی جاری شود همین روش است.

✓ اعتقاد ما بر این است که عربی قرآن با عربی که ما می‌دانیم قدری متفاوت است. عربی را باید از خود قرآن فهم کرد. هر قدر که فرد با خود سوره‌ها انس بیشتر پیدا کند عربی قرآن را بیشتر می‌فهمد. باید با انس با قرآن، با خواندن مکرر و تدبر، عربی بفهمد.

اگر حوزه عربی را مثل ما کمی دیرتر می‌گذاشت خوب بود. وقتی عربی را شما اول می‌گذارید، آدم‌ها از قرآن بدشان می‌آید وقتی عربی را آخر می‌گذارید قرآن را می‌خوانند بعد نیاز به عربی پیدا می‌کنند.

✓ اینقدر برام روش سوره است و سوره روش است که فکر می‌کنم که اگر سوره‌ای را جابندازم، روش را جا انداختم. ✓ گزاره نویسی اولویت مقدمات نیست، جایگاه گزاره نویسی جایگاه دستیابی به یک باور ایمانی و باید و نباید رفتاری است. هر کسی در سوره باید به این دو دسته دست پیدا کند.

گزاره نویسی بعد از خواندن سوره، بعد ترجمه یا تفسیر یا واژه، حتما توصیه می‌شود. نه نوشتن آن بلکه فهمیدنش در قلب انسان.

✓ خیلی معلم و نوع گفتنش و القائی که در کلاس دارد مؤثر هست.

✓ در مقدمات تدبر قصدمان این نیست که طرف مسائل را پیچیده ببیند. اتفاقا می‌خواهیم عمل کردن را خیلی راحت تر ببینیم.

۲۰ الی ۳۰ درصد مربیانمان برنامه ریزی کوتاه مدت، میان مدت، بلند مدت دارند و طبق این نظام عمل می‌کنند. اساسا افراد برای خودشان برنامه ی بلند مدت در حوزه ی قرآن ندارند و با اینکه مربی اند ولی مثلا دفترچه واژه ندارد و نمی‌داند چند واژه قرآن را بلد هستند. اگر مربی اهل برنامه ریزی نباشد، من نمی‌گویم که درس ندهد ولی برای اینکه بداند به درد این مخاطب می‌خورد یا نه، باید مرتب آزمون و خطا کند. ولی وقتی برنامه ریزی داشته باشد به طور طبیعی ساختارش از یک کار ساده و آموزشی ساده با یک مباحثه شروع می‌شود، بعد در لایه بیوت و بعد در لایه ی فامیل و خانواده و دوستان و بعد در مسجد با طیف خاص و بعد با توجه به مسیری که انتخاب کرده است، در لایه دانشجو یا دانشجو معلم یا دانش آموز قرار می‌گیرد و به سمت بالا می‌رود. به طور تکوینی در او هدایت اتفاق می‌افتد.

معیار ارزیابی مربی از خودش می شود، سیر داشتن فرد در حوزه ی آموختن و آموزش دادن و داشتن روند تکوینی در این عرصه.

اگر مربی سیر نداشته باشد نمی تواند بفهمد الان کجاست. مربی باید بداند که چند سوره و چه مقدار المیزان خوانده است و چه تعداد واژه بلد هست و چه تعداد کتاب و کتاب روایت بلد هست. این موارد است که بعدا به مربی توان ارزیابی می دهد که می تواند یک کاری را انجام بدهد یا نه

ارزیابی مربی از خود: سیر داشتن فرد در حوزه آموختن و آموزش دادن
و داشتن روند تکوینی در این عرصه

تکلیف

هر کسی یک برنامه ای حامل تدبیر در قرآن به گونه ای که تسلط بر سوره ها، آیات (یعنی آیه ای نباشد که کسی ترجمه اش را بلد نباشد و نداند در مورد چی است) کلمات و برخی روش ها پیدا کند. هر هفته ۷ ساعت (میانگین ۷ تا ۵ ساعت) در طول ۵ سال.

ما احتیاج داریم به دانشمندانی که مسلط بر قرآن اند.

تکلیف:
طرح ریزی برنامه کامل تدبیر در قرآن به گونه ای که فرد تسلط بر سوره ها، آیات، کلمات و برخی از روش های تدبیر پیدا کند.
هر هفته ۷ ساعت در طول ۵ سال

دسته بندی مخاطب، (گفتگوی بین استاد اخوت و استاد رجبعلی)

استاد رجبعلی: آن بحث ابتدایی که فرمودید یک دسته بندی از مخاطب گفتید این بحث مخاطب و مخاطب شناسی حدسم این است که اگر شکل های مختلفی در ذهن داشته باشیم امکان انعطاف بالا فراهم می شود. این هم یک مدل است اگر صلاح بدونید من توضیح بدهم و یک ارزیابی کلی داشته باشیم از صحت و عدم صحتش.

ما به نظرم رسید که یکسری مخاطب داریم مخاطب رقیق و عمومی تر جامعه اند شاید پیدا بشوند حالا نگوییم رقیق ولی پیدا می شوند یک سری مخاطب خود دعوت اند که این ها همین که جو یک کاری به وجود بیاید می آیند همراه می شوند با جو مومنانه. احساسم این هست که اگر برای این ها بخواهیم یک شخصیتی در اوج در نظر بگیریم برای این ها در قرآن که حالا آن را رقیقش کنیم آدم های مختلف در این طیف جا بگیرند آن عبارت رجل یسعی است که و ما لی لا اعبد مثلاً دارد رد می شود می گوید که این ها که کار بدی نمی کنند که من چرا نباید با این ها باشم. پیدا می شوند ما نباید فکر کنیم رجل یسعی یافتنی نیست یک مدل مخاطب این شکلی است و رقیقش حتما پیدا میشود.

یک مدل مخاطب دیگر اسمش را گذاشتیم مخاطب دعوت پذیر، که وقتی دعوتش کنیم همین چیزی که شما فرمودید دعوت به خیر می شود، در انتخاب که قرار میگیرد می گوید خوب این ها مرا دعوت کرده اند... این ها اگر بزرگ بشوند فکر کنم بشوند اذا یتلی علیهم یخرون. چون آنجا خدا می گوید چه ایمان بیاورید چه نیاورید، عده ای هستند اذا یتلی علیهم. این اذا یتلی که می شوند

استاد اخوت: آقای رجبعلی می گویند که مخاطب ها خود دعوت و دعوت پذیرو جویای اکرام و جویای شعارو میثاق و شهادت طلب، مخاطب اختلاف طلب. آقای رجبعلی این ها آدم ها همه شان خوبند، درست است؟

آقای رجبعلی: آدم های اوج و خوب. چندتا نکته دارد: اولاً ما هرکس را ببینیم در خیابان این ها بزرگ بشوند در خوبی هایشان به یکی از این ها شبیه بشوند چون یک نیم نگاهی به دوره های رشد هم بوده. و این خیلی مهم است که ما ببینیم مخاطب ما اگر بزرگ بشود شبیه کی می شود. اگر اوج بگیرند چه شکلی می شوند این را از این باب دارم می گویم یعنی تخیلی نیست یک جور نگاه مثبت که شما از سر یک دیدی آدم ها را به این تصور می کنید که اگر بهش رسیدگی بشود می شود یکی مثل کی؟ یک نگاهی است حالا نمی دانم کارایش چقدر باشد.

آقای اخوت: درواقع شما دارید می گوید که خود ما یکی از همین افرادیم.

- بله، چه بسا باشیم

- و ما اگر استخلاف طلب باشیم چطوری باید باشیم و چطور قرآن بخوانیم؟ و اگر شهادت طلب باشیم باید چطور قرآن بخوانیم و اگر میثاق طلب باشیم چطور قرآن بخوانیم؟ و اگر اکرام طلب باشیم چطوری قرآن بخوانیم؟ و اگر دعوت پذیر باشیم چگونه قرآن بخوانیم؟ و اگر خودمان اهل دعوت باشیم چگونه باید قرآن بخوانیم؟ این نتیجه ی حرفتان است. مراتب نیازمندی انسان به قرآن است. اسم این را بگویم مراتب نیازمندی مومنان چون همش در جو مومنان است به قرآن. در واقع این ارزیابی خودمان درمورد اینکه نسبت به قرآن چگونه هستیم است.

- یک چیزی اضافه تر و آن اینکه آدم هایی هم ما با آنها مواجهیم به نوعی در دسته ای از اهل بهشت قرار می گیرند. و از این جهت ما باید بدانیم این دانه وقتی بزرگ می شود چه می شود؟ و دانستن این موضوع خیلی کمک می کند در نحوه ی صحبت. شما مثلاً همین شعار و میثاق را مقایسه کنید با مثلاً کسی که رجل یسعی است و ما لی لا اعبد. اصلاً همین هم خودش دوتا ادبیات متفاوت دارد درست است؟

- بله البته ممکن است رجل یسعی یک جای دیگر هم جز آن هم باشد

- بله همین الان هم دو جا آوردیمش. یا لیت قومی یعلمون هم هست. رجل یسعی خیلی جالب است. خیلی پر است اصلاً فکر کنم بشودیک تقسیم بندی بر اساس رجل یسعی داشت. دید به خودمان.. چون قرآن وقتی می گوییم کلام است کلام اصل این است که دید خوبی نسبت به مخاطب وجود داشته باشد. این مخاطب چه ما باشیم چه دیگران باشیم اگر درست فهمیده بشوند جهت گیری اینکه چه مطلبی الان ارائه شود و چه شکلی ارائه بشود هم خیلی کمک می کند به این موضوع

. نمی دانم چقدر این برداشت درست است؟

- خوب است خیلی خوب بود با این عنوانی که اینجا خورد، صحبت خانم ناطقی هم در ارزیابی مشخص می شود یعنی هر کسی ارتقای خودش نسبت به قرآن را می تواند به این صورت ببیند یعنی ببیند که به حدی رسیده که از جو خارج بشود؟ و خودش بیفتد دنبال کار؟ در حدی رسیده که آیات قرآن را متأثر کند؟ در حدی رسیده که شفقتش فعال بشه؟ یا حالا هر کدام عنوانش هم ممکن است تصحیح شود. یعنی الان و مالی لا اعبد یعنی درواقع خودکار می شود در دعوت. یعنی خودش خودش را دعوت میکند. در قسمت بعدی مخاطبش در واقع تاثیر پذیری او از حق است. یعنی آیات به شدت او را متحول میکند. و مخاطب بعدیش دارای شفقت است نسبت به دیگران. مخاطب بعدیش مخاطب اهل میثاق است. اهل جهاد و میثاق وقتی می گوییم یعنی گسترش عمومی و گسترش حق. مخاطب بعدی مخاطب اهل توفیق و اعتبار نزد خدا؛ شهادت طلب هم هست. مخاطب بعدی مخاطب صبور و وعده دهنده به دیگران. یعنی می شود ملجا و ماوی دیگران.

ارزیابی خود نسبت به قرآن و شناسایی دیگران نسبت به قرآن:

مراتب نیازمندی مومنان به قرآن:

۱. مخاطب خودکار در دعوت شدن (همراه شونده با جو مومنان/ در اوج: و مالی لا اعبد...)
۲. مخاطب تأثیرپذیر در هنگام دعوت شدن (در انتخاب خیر درست عمل می کنند/ در اوج: إذا یتلی علیهم یخرون)
۳. مخاطب دارای شفقت و اکرام نسبت به دیگران (در اوج: یالیت قومی یعلمون)
۴. مخاطب اهل جهاد و میثاق در گسترش حق (در اوج: هو اجتباکم)
۵. مخاطب اهل توفیق و اعتبار نزد خداوند و شهادت طلب (در اوج: من المؤمنین رجال صدقوا...)
۶. مخاطب صبور و وعده دهنده حق به دیگران ملجا و ماوای دیگران (در اوج: وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم...)

- روحیه آخری خیلی نزدیک به نظام سازی می شود.

- بله در این بحث این دوتا خیلی مهم می شوند شما هم خودتان را نسبت به قرآن بایستی ... یعنی همان طور که انسان باید یک برنامه ی ظاهری داشته باشد باید یک برنامه ی باطنی هم داشته باشد. می شود آن برنامه ی باطنی کجا هست. اگر کسی گفت که من نمی توانم تشخیص بدهم. میگوییم اولی که هستی، میگوید بله، می گوییم خب برو تا بررسی به دومی. خیلی خوب بود دستتان درد نکند.

✓ آیا لازم است در جلسه اول رونمایی کلی از روش های تدبیر باشد؟ اگر جمعی که هستند جز گروه اول و دومی یعنی اساتید و طلاب و روحانیون باشند بهتر است که این اتفاق بیفتد اگر نه خیلی لازم نیست. البته بستگی دارد اما خیلی لازم نیست.

خداوند توفیقاتتان را روزافزون کند. خیلی التماس دعا داریم برای همه ی بیماران بیمارستان ها دعا کنید برادران و خواهران و فرزندان و پدران و مادران ما هستند آنهایی هم که به هر نحوی به لقای خدا می رسند ان شاءالله خداوند رحمتشان کند به واسطه ی این جلسه و این ذکر توفیقات همه مان را زیاد کند و ما را به آقا و سرورمان برساند به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

چهارچوب های فکری کتاب :

فاتحه و سه درس در مورد کلیات قرآن، از درس چهارم به بعد حدود ۹ سوره است در حوزه ی تدبر در سوره ها به شکل مقدمات تدبر و قسمت آخر که به عنوان ملحقات قرائت قرآن است تشکیل شده است. اکثر افراد ملحقات کتاب را نمی خوانند در حالیکه روایت های بسیار بی نظیری در آن آمده است. مقدمات کتاب مقدمات تدبر همین ملحقات می باشد، اگر مطالعه نکرده اید حتما ملحقات را بخوانید که دانستن آداب قرائت از لسان اهل بیت است. در کتب دیگر به این شکل روایت ها جمع آوری نشده است. می توان دعاها را هم به این بخش اضافه کرد. خیلی از این روایات را افراد نمی خوانند لان شکرتم لازیدنکم. ما باید وقتی قران می خوانیم قرانی را بخوانیم که اهل بیت از ما خواسته اند. بایستی اولین کار ما این باشد که به خود و دیگران تذکر بدهیم که قران خواندلمان منطبق بر خواست اهل بیت باشد. چه طوری؟ شروع قرائت با دعا و استعاذه، اتمامش با صدق الله و... . اینها مواردی است که بایستی مورد توجه ویژه قرار بگیرد. ان شاءالله که همه مورد توجه شان قرار می گیرد.

نکات دروس کتاب مقدمات

فاتحه

در درس اول چند روایت خیلی مهم آمده است و این روایات به عنوان اصل هستند و اگر کسی از شما پرسید که چرا قران می خوانید اینها اصولی هستند که باید به آن رجوع کنیم. انسان باید هر چند وقت یکبار به آن اصول رجوع کند و این اصول مواردی نیست که آدم یک بار بخواند و بگوید من خواندم. قرآن به عنوان مهم ترین رافع نیاز آدمی است. آقای اخوت شما خودت می فهمی یعنی چی مهم ترین رافع نیاز آدمی است؟ متوجه هستی که عطایی منحصر به فرد، هیچ چیز به اندازه ی قرآن می فهمی که نمی تواند نیاز را از انسان برطرف کند؟ الان متوجهش می شوی؟ نه فرزند نه همسر و نه خانه هیچ چیزی. هر چیزی که به ذهنت برسد. به اندازه ی قرآن نمی تواند نیازی را از انسان برطرف کند. خب انسان باید ده ها بار، صدها بار اینها را با خودش مرور کند تا برایش جا بیفتد. با یک بار خواندن و دو بار خواندن برای انسان فهم نمی شوند.

مثل این است که بگوییم خدا هست. لا اله الا الله. چقدر ما باید لا اله الا الله بگوییم که لا اله الا الله در وجود ما استقرار پیدا کند. این اصل ها مرتب باید تداعی بشوند.

کسی برایش روایت مهم باشد، به مضامین آن دقت می کند و تدبر می کند و نکاتی را استخراج می کند. مثل اینکه ما داریم اصل ها و شیوه هایی را به خاطر اینکه بتوانیم قرآن خواندلمان را شبیه قرآن خواندن اهل بیت بشود، به دست می آوریم و این منجر به افزایش وزن قران خواندلمان می شود.

سعی ما در کتاب ها این بوده است که با شاقول اهل بیت پیش برویم. در روایات این کار را انجام دادند، اهل بیت این طوری توصیه کردند.

درجات انسان در دنیا و آخرت به فهم معانی قرآن وابسته است. درجه انسان در دنیا یعنی سمتی که امام زمان به شما

میدهد. فرمانده لشکری، سربازی، چه درجه ای داری؟ و همچنین در آخرت به فهم معانی قرآن وابسته است. خیلی نکته مهمی است. این ها اصل هایی هستند که یا باید بزنی و زیرش و بگیریم درست نیست، یا بزنی زیر زندگی اش بگویند این زندگی باید منطبق بر این انجام بشود.

قرآن برای کسی که آن را یاد گرفته همراه و معلمی دائمی است. شما فکر کنید انسان یک معلم دائمی داشته باشد آن هم به نام قرآن.

انسان با قرآن می تواند توفیق دستیابی به درجاتی از نبوت را داشته باشد.

همه این اصل ها اگر برای ما جا نیفتد در طی مسیر حوادث و ابتلائات و سختی ها ترجیح قرآن خواندن را از ما می گیرند. خلاصه، در این قسمت قرآن خواندن سبب فعال شدن تفکر حقیقی است.

درس بعد مهم ترین نکات در ارجاع به قرآن گفته شده است. ان شاء الله نکات در روش ارجاع به قرآن مرتب خوانده شود و اینها شبیه به اصل هستند و کامل تر آنها در اصلاح رویکرد هم آمده است.

ما کم و بیش عربی را بلد هستیم و با همان مقدار می توانیم کتاب واژه را بخوانیم و وقتی با متن انس پیدا می کنید، بعد از یک مدتی عربی می فهمید. آموزش عربی به خواندن متن است. یادگیری عربی یا هر زبان دیگری با خواندن و شنیدن محقق می شود.

برنامه برای مطالعه سوره ها پیشنهاد است. اگر کسی بنای بر مطالعه کتب تدبر دارد بهتر است برنامه واژه و تفسیر خواندنش را بر روی همین کتب بگذارد. و بعد از هر کتابی تعداد سوره ها و واژه هایی که خوانده است را احصا کند.

محور های طهارت را بر اساس سوره مبارکه بقره ایمان به غیب و توجه روز افزون به خدا و توجه به برطرف کردن نیازهای مردم و اطمینان به کتاب و حقایق وحی و توجه به آخرت به عنوان غایت انسان قرار دادیم. و سعی کردیم سوره ها را با این موارد تطبیق کنیم. خیلی خوب هست که این مطالب به مخاطب گوشزد شود، که سوره بقره می خوانی و داری متقی می شوی و به این آیه از آیات قرآن عمل می کنی.

درس اول

درس اول درواقع ویژگی های قرآن از خود قرآن است، با الهام از کتاب قرآن در اسلام علامه طباطبایی این درس نوشته شده است. لازم است هنگام مطالعه از زبان خود قرآن بدانیم قرآن چه وصف هایی دارد. وقتی شما با کسی و چیزی هم نشین می شوید کم کم خاصیت آن به شما منتقل می شود و اگر ویژگی ها منتقل نشد یعنی شما هم نشین نشده اید. اصل و غرض این فصل این است که شما بدانید با چه حقیقتی با چه خصوصیتی برخورد می کنید، که این هم از روایات آمده و همچنین از شناخت ویژگی های قرآن در همه ی قرآن. ۲۰

ممکن است این بخش ها را شما ارجاع بدید افراد خودشان بخوانند ولی چه بسا بعضی وقت ها بایستی این ها را بلند خواند. دوستان نوعا از این قسمت ها عبور می کنند. در صورتی که خیلی نکات مهمی هستند.

درس دوم

درس دوم، از جهت اینکه شیوه های مختلف قرآن خواندن را بیان می کند مهم است. بخش روش های مطالعه قرآن به نظر خیلی مهم هست. مهم است یک جایی یادداشت شود که همیشه همراه باشد که ما بدانیم انواع قرآن خواندن داریم. ما در دوره های اول مون یکی یکی اینها را امتحان کردیم. (یکسری سوره ها را به صورت ثابت قرار می دهیم. یک آداب سیر و سلوک از روایات برای خودمان انتخاب می کردیم. سوره یس را شما یکسال مداوم بخوانید، سوره ی واقعه را یکسال شب ها بخوانید، سوره ی اسرا را هر شب جمعه بخوانید، این خاصیت را دارد و خیلی این ها مهم است)

دانستن انواع و اقسام قرآن خواندن، کسل کننده بودن قرآن خواندن را رد می کند. چون کسی به من و شما نگفته کسی روی این بخش تاکید نکرده و تمرین نداده است. وقتی که به شکل های مختلف نمی خوانیم وارد بقیه ی کتاب ها که می شویم خسته می شویم بعد فکر میکنیم که چرا اینا قرآن خواندنشان اینقدر خسته کننده است. اگر آدم حالت های متنوعی از قرآن خواندن را داشته باشد اصلا نه تنها خسته کننده نیست بلکه انسان هر بار نیاز خاصی دارد.

اگر ما مکرر در مکرر قرآن را نخوانیم نمی توانیم ارتباط باهاش بگیریم. با خواندن یک کتاب و یک سوره که آدم قرآن فهم نمیشود. بایستی مرتب انس داشته باشد. حضرت امام ره نقلی هست که هر سه روز یک ختم قرآن می کردند چه جوری ختم قرآن می کردند؟ بعد از یک مدتی که ادم ختم میکند دیگر آیات برایش خیلی سریع میشود. بعدا که بخوایم ختم قرآن بکنیم ۸ یا ۷ ساعته کل قرآن را ختم می کنیم. ما برای هر موضوعی می خواهیم تحقیق کنیم ۵ دور ۱۰ دور کل قرآن را زیر و رو می کنیم. معلوم است دیگر چون شما باید بدانید موضوع تان در کل قرآن محکمش چیست متشابهش چیست؟ عام اش چیست خاص اش چیست؟ این ها منجر به انس می شود. منجر می شود به اینکه انسان ارتباط بگیرد. کسانی که میگوین وقت نداریم، در در صحیفه ی ذهنشون باشد یک وقتی خالی می شود. به هر حال می توانید برنامه ریزی های مختلفی داشته باشید.

درس سوم

درس سوم به صورت خاص به مفهوم تدبر در قرآن و تفاوتش با تفسیر و ... می پردازد.

تدبر در قرآن در این فصل مطرح می شود و ارتباطش با سوره مبارکه کوثر ذکر شده است. لزومی نیست که این مطالب را تمرین بدهید مهم این است که افراد بدانند چنین مبناهایی وجود دارد. اگر کسی این فصل را قبول نکرد، ارجاعش می دهیم به کتاب تدبر چیستی چرایی چگونگی. در آنجا مفصل درباره ی خود تدبر توضیح داده شده است که تدبر مثل تفکر توانی در وجود انسان است برای شناخت بهتر مسیر زندگی.

در بخش مقدمات تدبر در قرآن، گفتیم منظورمان چیست که این ها همان غرض های کتاب می شوند. این کمال کتاب است که این اتفاق برای فرد بیفتد. یک مختصری هم از کتاب های بعدی اینجا نوشته شده است که خیلی مهم است افراد بدانند تا انتهای دوره چه اتفاق هایی برایشان می افتد.

سوره ها

به سوره ها که می رسیم همه شان شبیه هم نوشته شده است و مهم این است که فرد یکبار سوره را بخواند و سعی کند از همین خواندن عادی با همین ترجمه ی ساده ، یک ره توشه ای برای زندگی خودش از حیث باورها ، ارتقا باور ها و عملش پیدا کند. در همین ترجمه هم خیلی نکات مهمی است و البته این ترجمه فرد را بی نیاز از تفسیر و علم لغت نمی کند ولی همین حدش هم خیلی مطلب را در اختیار فرد می گذارد.

بعد واژه ها را بررسی می کنیم. در بخش واژه ها یک قسمت تصویرسازی دارد، چراتصویرسازی از واژه را گذاشتیم؟ به خاطر اینکه اغلب برای واژه ها تصویرسازی در ذهنشان نیست، مصداقی نمی آید، در همه این ها یک مفهوم گنگ می آید. درواقع این را گذاشتیم تا فرد نمونه هایش را ببیند. اگر این بخش نتواند کمکش کند و فرد نمونه های این واژه ها را در بیرون نبیند به همان ترجمه باید بسنده کند. به مرور تعداد واژه ها قوت می گیرد. جلوتر که می رویم واژه ها تکراری هم داریم و سراغ واژه های اختصاصی میرویم. خیلی مهم است که افراد در این بخش برای واژه ها مصداق داشته باشند. و آن را در ذهنشان و در بیرون ببینند، مثلاً وقتی میگوییم "عاسق" بگوید مثل رسانه های غربی وقتی که می خواهند یک ظلمتی را بپراکنند و همه جا را تیره و تاریک نشان دهند، مثل انواع گناہانی که در جامعه فراوان و همه گیر می شود.

وقتی مصداق یابی می کنید، لازم نیست در خود سوره مصداق سوره را به افراد نشان بدهید، خود فرد که سوره را میخواند مصداقش را در زندگیش ببیند، و خودش می فهمد که مثلاً این جزء مصداق نفاثات یا جزء حاسد اذا حسد است یا ...، ولی در واژه میتوانی مصداق ها را بگویید.

کسانی که می گویند عربی و اعراب بلد نیستیم، عربی یادگرفتن با همین کارهای این شکلی است، شما میخوانید "قل" فعل امر، فاعل مستتر، تقدیرش انت است، در ذهنتان میگویید تقدیر یعنی چی؟ فاعل مستتر یعنی چی؟ فعل امر یعنی چی؟ اگر بلد نیستید ادامه اش را بخوانید ولی کسی که درس میدهد باید این ها را بداند. اگر هم کسی نمیداند در واقع این فرد نمیتواند کتاب درس بدهد میشود جزء اون افرادی که می توانند در یک جایی سوره را بگویند. پس کسی میتواند کتاب درس بدهد که اعراب بلد باشد عربی بلد باشد، چرا؟ چون باید بتواند پاسخگوی سوالات مخاطبش باشد. اگر از بخش اعراب از شما سوال پرسیدند شما می گوئید عزیز دلم فعلاً این را نپرس بعداً در ترم فلان میخوانید، نمیتوانید بگویید منم بلد نیستم، این خوب نیست. به همین دلیل دوستانی که کتاب مقدمات و یا کلاً کتاب های تدبر را میخواهند تدریس کنند باید سطح مقدماتی عربی رو در همین سطح اعراب قرآن بلد باشند اگر بلد نیستند باید یادگیرند.

یک دور سوره با واژه ها و اعرایش خوانده می شود بعد میگوییم یکبار دیگر سوره را بخوان و باورهایت را بررسی کن، بین چه نقشی در زندگی شما دارد و چه کاری و چه عملی میتوانی در زندگی تون پیاده کنی

کسی که می گوید، من در حد ترجمه فهمیدم، میگوئیم آفرین ترجمه ات خیلی خوب است و قوی است، ولی اگه واژه را قوی بخونید حتما دستاورد های بیشتری دارید، فرض ما بر این است که فرد ترجمه اولی که خوانده انقدر قوی خوانده که معادل واژه را نخوانده است. بالعکسش را نگوئیم، نگوئیم که تو واژه را خوب بلد نیستی باید بگوئیم خیلی ترجمه ات خوب بوده که توانستی وقتی هنوز واژه ها برای شکافته نشده به یک حقیقت جدید دست پیدا کنی.

بعد به سمت گزاره نویسی رفته است، خیلی از دوستان اینجا مسئله شان این است که شما گزاره های ساده را نوشتید وسخت ها را برای ما گذاشتید، این دوستان بهتر هست به گزاره های کتاب کاری نداشته باشند و گزاره ها را نگاه نکنند و خودشون بنویسند، گزاره ای که می نویسند یا شبیه بالایی هاست یا اینکه گزاره ای جدید است که در هر صورت اشکالی ندارد. مهم است که راجع به یک آیه فکر کنیم و گزاره ای بنویسیم، پس می توانیم بگوئیم گزاره ها را اصلا نگاه نکن، بگو «قل اعوذ» چی به تو میگوید؟ بعد بنده خدا دزدکی این بالا را نگاه میکند میگوید خدا امر کرده به پیامبر که پناه بردنش را ابراز کند، میگوید من اصلا نمیدانستم که باید این شکلی گزاره بنویسم، از این به بعد میدانم. بعد شروع میکنی به فرد یاد دادن که از آیات گزاره تهیه کند.

انتهای کار تفسیرالمیزان قراردادیم تا افراد گزاره هایشان را با تفسیر چک کنند، می توانند این کار را خودشان انجام بدهند بگوئیم گزاره هایتان که نوشتید بروید ببینید چقدر با المیزان فاصله دارد، چقدر انحراف دارد، اگه کم کم این کار را بکنیم می توانیم به المیزان نزدیک بشویم، برخی می گویند المیزان کتاب سنگینی است به دانشجوها توصیه نکنید که المیزان بخوانند، این کاری که ما میگوئیم بکنید اتفاقا میشود توصیه کرد، خود افراد گزاره بنویسند بعد خود افراد گزاره هایشان را با المیزان چک کنند، دراین صورت کتاب المیزان میشود میزان درستی و نادرستی گزاره ها، اگر گزاره هایتان با المیزان زاویه داشت خودتان آن گزاره ها را پاک کنید.

آخرین مرحله طهارت برای تدبر است یعنی ما یک موضوعی را در نظر میگیریم که به واسطه برکت نزول این سوره این مشکل در زندگی نباشد و ما باید طهارت این سوره رو داشته باشیم که البته دراین مرحله می شود به کتاب های دیگر هم مراجعه کرد، بعضی از اساتید دراین مرحله کتاب های حضرت امام و یا دعا و یا کتاب های دیگر را میخوانند، مثل خود کتاب که در آخر دعا آورده است، درواقع داریم میگوئیم که میشود در این مرحله که به طهارت منجر می شود بعد از دعا و آیات از متن علماء استفاده کرد و درباره آن موضوع طهارتی که مربوط به آن سوره هست استمداد بطلبند.

پاسخ به سوالات

منظور از «به دست آوردن درجاتی از نبوت» در این روایت چیست؟ وحی یعنی اتصال به خدا، نبی یعنی کسی که قدرت دریافت وحی انبایی خدا را دارد، یعنی می تواند از خدا به وسیله ملک یا به صورت مستقیم از خود خدا حقایقی به عنوان کتاب ونباء انسان ها به خودش برساند و به دیگران انتقال دهد، البته هرنبی رسول نیست ولی بعضی از انبیا مثل پیامبر اعظم هم خودشان می شنیدند و هم وظیفه داشتند در اختیار دیگران قرار دهند، اینکه ما بتوانیم از وحی که به پیامبر رسیده استفاده کنیم و آن را جامه عمل بپوشانیم یا در باورهامون قرار دهیم قطعاً درجه ای از نبوت به دست آورده ایم .

انواع روش های ختم قرآن به ترتیب اولویت نیست.

بخش های اول کتاب خیلی کاربردی هستند، ما در دوره هایی که قبل از ورود به سوره ها این بخش ها را کار میکنیم انگیزه مخاطب بالاتر میرود، و ما خودمان هرچند وقت یکبار برای خودمان مطالعه میکنیم و هیچ وقت از خواندنش خسته نمیشویم چون روایت هستند

حق دارند مخاطب ها از اینکه تفسیر به رأی نشود، بترسند، حق دارند اعتراض کنند، حق دارند بگویند شما را چه به قرآن، همه این ها را حق دارند و ما هم این ها را می پذیریم، اگر بگویند شما را چه به قرآن، راست میگویند ما را چه به قرآن، اصلا ما کجا و قرآن کجا.

حل کردن تمارین در کلاس بستگی به توان مربی و روش او دارد. مهم این است که کلاس برای مخاطب جذابیت داشته باشد و احساس خستگی نکند.

درست است گزاره های میزان در فضای دیگری است اما با همین فضا هم نباید تعارض داشته باشیم و البته باید به زایش فکری برسیم. زایش فکری باعث میشود گزاره ها وارد زندگی شود و از طرفی وقتی به زایش فکری میرسیم میشود گزاره ها را با کل قرآن تطبیق داد و شاهد مثال از کل قرآن آورد البته الان لازم نیست

تصویر سازی، تصویر واژه است ربطی به قرآن ندارد و جدا از فضای آن است

در این کتاب برای نوشتن گزاره سختگیری نمی کنیم. باید قرآن خوندن به آدم ها خوش بگذرد و نباید احساس تکلف ایجاد شود.

ختم مفهومی یعنی وقتی فردی بخواهد کل قرآن را با نگاه تدبری بخواند و همه سوره ها را دربر بگیرد ختم میکند ولی به شکل مفهومی.

افرادی که چند کلاس دارند و در هفته با چند سوره سر و کار دارند، برای طهارت با یکی از کلاس ها جلو بروند.

وقتی افراد سوره را میخوانند، سوره از مخاطب میخواهد در چه شان و حالتی باشد، این میشود غرض.

طرح ساختار سوره و اعراب، برای مربی لازم است اما برای مخاطب لازم نیست

راهکار افزایش طهارت با ختم قرآن با موضوعات مختلف هست. یک موضوعی را در نظر بگیرید و با آن کل قرآن را مطالعه کرده و آیات متناسب با آن را یا نکاتش را یادداشت کنید. مثلا میخواهم ایمانم تقویت شود، سوره حمد راهکار میدهد که عبودیت را تقویت کن و...

تصویرسازی از ریشه باشه یا کلمه مشتق شده از سوره؟ کلمه مشتق شده از سوره بهتر است

ارزیابی کتاب مقدمات تدبر

برای اینکه بتوان گفت کسی کتاب مقدمات تدبر را خوانده است بایستی

۱. اشتیاق به انس با قرآن در مخاطب زیاد شده باشد. چطور میشه اشتیاق را فهمید؟ چطور اشتیاق رو کمی کنیم؟ اینکه من دوست داشته باشم ولی دست به قرآن نزنم اسمش اشتیاق نیست. بلکه از نظر کمی قرآن خواندن یا فکر کردن حول محور آیات و سوره‌ها به صورت محسوس تغییر کرده است و یا مقدار تلاوت افزایش یافته و یا عمق یافته است

۲. نسبت به برنامه داشتن برای فهم و تدبر در قرآن کار عملی انجام دهد. مثلاً دفتر واژه داشته باشد یا دفتر نکات سوره‌ها را داشته باشد. یک کار عملی از خودش انجام دهد. مثلاً بگوید من نکات سوره‌ها را روی یخچال خانه مان می‌نویسم.

۳. بخش مهمی از سوره‌های مطرح شده را در زندگی دیده باشد و به نحوی پیام‌های عملی آن سوره‌ها در زندگی او نمایان باشد. برای مخاطب اتفاق افتاده که تصمیمش عوض شده باشد، مثل این که تصمیم داشته که همز و لمز کند و تصمیمش عوض شده یا نمازش قبلاً تاخیر داشته و الان تغییر کرده باشد. تصمیم‌های فرد برای زندگی‌اش بطور واضح تحت تاثیر سوره‌های کتاب قرار گرفته باشد.

۴. ترس فرد از قرآن فهمیدن ریخته شده باشد در عین حال برای فهم خود قائل به ضابطه باشد و نیز برای قرآن خواندن اصول و آدابی را بشناسد و آن آداب را عمل کند. فهم این به چه صورت است؟ فرد با سهولت با سوره‌ها برخورد می‌کند و از آنها نکات کاربردی برای زندگی خود به دست می‌آورد. سوره را بخواند و آنرا دور از خود نداند و سریع بتواند به زندگی‌اش انتقال دهد. اگر فرد آداب داشته باشد و بر مبنای تفسیر حرف بزند، در عین حال فرد احتیاطش در بیان حقایق قرآن بیشتر شده است. مثلاً سوره تین می‌خواند، با این که این سوره در کتاب مقدمات نیست ولی سریع از سوره نکات استخراج می‌کند. اگر قسمت اول و قسمت دوم هماهنگ باشد در این جا به مشکل نمی‌خورد و هر نکته‌ای رو به قرآن نسبت نمیدهد چون یاد گرفته از واژه‌ها استفاده کند.

ارزیابی قرآن پژوهان از کتاب مقدمات تدبیر

اشتیاق به انس قرآن در آنها زیاد شده باشد.

۱

از نظر کمی قرآن خواندن یا فکر کردن حول محور آیات و سوره‌ها به صورت محسوس تغییر کرده است.

برای فهم و تدبیر در قرآن کار عملی انجام دهد یا برنامه داشته باشد.

۲

مثلا دفتر واژه داشته باشد.
مثلا دفتر نکات سوره‌ها

بخش مهمی از سوره‌های مطرح شده در کتاب را در زندگی دیده باشد و نیز به نحوی آن پیام‌های عملی آن سوره در زندگی او نمایان باشند.

۳

وقتی تصمیم‌های فرد برای زندگی‌اش به واضح تحت تأثیر سوره‌ها قرار گرفته باشد.

توس فرد از قرآن فهمیدن ریخته شده باشد. در عین حال برای فهم خود قائل به ضابطه باشد و نیز برای قرآن خواندن اصول و آدابی را بشناسد و آن آداب را عمل کند.

۴

فرد با سهولت با سوره‌ها برخورد می‌کند و از آنها نکات کاربردی برای زندگی خود به دست می‌آورد. در عین حال فرد احتیاطش در بیان حقایق قرآن بیشتر شده است.